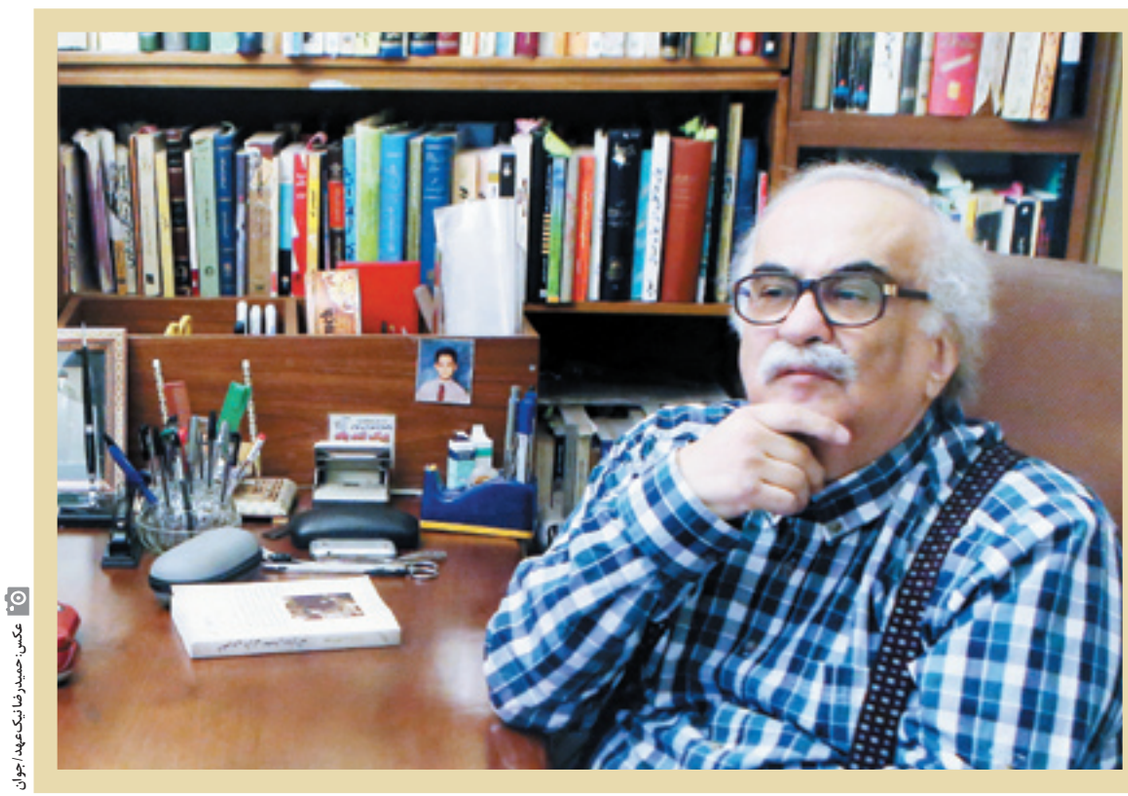
عکس: حمیدرضا نیک‌عهد/ جوان

نظری بر ریشه‌ها و زمینه‌های اسراف و تبذیرهای دولت موسوم به تدبیر و امید

مردم امریکا هم اسراف دولتشان را برنمی‌تابند

■ خسرو معتضد

در دو دهه اخیر، پرسش از رفتارهای مسرفانه برخی مسئولان، به یکی از دلمشغولی‌های اهالی سیاست و رسانه در کشور ما مبدل شده و در این باره دیدگاه‌ها و انگاره‌های گوناگونی مطرح شده است. اما آنچه موجب شد که این قلم به نگارش این مسوده مبادرت کند، مطالبی است که اخیراً آقای بهزاد نبوی از دست‌اندرکاران رویدادهای صدر انقلاب درباره حقوق اعضای کابینه شهید رجایی بیان داشته است. وی در مصاحبه‌ای گفته است: «در کابینه مرحوم شهید رجایی حقوق وزیران ۷ هزار تومان بود و در کابینه موقت آقای مهدوی کنی ۱۰ هزار تومان و در دولت مهندس موسوی به ۱۲ هزار تومان رسید.»

■■■

■ همزمانی سخن از اسراف در ایران و امریکا

اخیراً در کشور ثروتمند امریکا جراید و رسانه‌های آن کشور ترامپ میلیاردر رئیس‌جمهور را زیر اخیه کشانده‌اند که چرا با وجود آنکه اعلام کرده بود حقوق نخواهد گرفت و سالی یک دلار برای او کافی است همسر اسلوونیایی الاصل او خانم ملانیا به جای اقامت در کاخ سفید در برج ترامپ در نیویورک اقامت کرده و دولت فدرال برای حفظ و حراست او روزانه یک میلیون دلار خرج می‌کند.

این مبلغ صرف گروه‌های چهار پنج نفره محافظان، اسکورت با اتومبیل‌های متعدد، ناهار و شام و سایر مخلفات محافظان، اجاره دو آپارتمان در طبقه‌های اطراف آپارتمان خانم ملانیا، ارتباطات تلفنی و ماهواره‌ای و... می‌شود.

جراید امریکا که کمترین ملاحظه‌ای از مقامات و سازمان‌ها ندارند، خبر پرواز ترامپ و همسرش با دو هواپیمای جداگانه به سوی فلوریدا برای گذراندن تعطیلات چند روزه را پوشش داده و پرسیده‌اند: چرا دو هواپیما؟ این دو هواپیما خصوصی نبوده و متعلق به دولت فدرال است؟ آیا این اسراف نیست؟

اساساً کدام امپراتور و پادشاهی در اروپا بوده که خودش در یک قصر و در یک شهر و همسرش در قصر و شهر دیگری اقامت کرده باشند؟ صد هزار نفر نیویورکی از خانم ترامپ پرسیده‌اند چرا به واشنگتن نقل مکان نمی‌کنی؟ چرا باید هزینه محافظت از تو از پول مالیات‌دهندگان نیویورکی تأمین شود؟

■ دغدغه مردمی که میلیاردرهای آن قابل شمارش نیست!

مردم واژه «علف خرس» را برای هزینه‌های سنگین محافظت جداگانه از ملانیا و نیز سفر او با هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ به کار برده‌اند.

در عکس رسمی بزرگ بانوی اول کاخ سفید انگشترهای الماس در انگشت‌های دو دست ملانیا جنجال‌آفرین شده است. از مردم امریکا ۴۹ میلیون نفر روزانه یک بن صبحانه، یک بن ناهار و یک بن شام مجانی دریافت می‌کنند، مانند تهران که چند ماه پیش شهردار تهران گفت: چندین و چند ده هزار تن از ساکنان تهران نان شب ندارند.

در چنین کشوری (امریکا را عرض می‌کنم) چرا انگشتر الماس ۲۵ قیراطی ملانیا باید ۱۵۰ هزار دلار قیمت داشته باشد. ملانیا گفته: این انگشتر را چند سال پیش ترامپ به او هدیه داده و از اموال دولت امریکا نیست.

فهذا مطبوعات امریکا که اغلب ضد ترامپ هستند می‌پرسند: برای چه پز می‌دهی و انگشتر ۱۵۰ هزار دلاری خودت را به رخ مردم می‌کشی؟ در کشوری که تعداد میلیاردرهای آن قابل شمارش نیست. مردم امریکا ترامپ میلیاردر را می‌کوبند که چرا اسراف و تبذیر روا می‌دارد؟

چرا باید روزی یک میلیون دلار هزینه محافظت از همسرش شود که وقتی از اسلوونیای جنگ زده در یوگسلاوی سابق به هزار بدبختی و فلاکت توفیق مهاجرت به امریکا یافت، خود و خانواده‌اش آه در بساط نداشتند و چند سال طول کشید تا با کمک ترامپ که عاشق آن دختر جوان نحیف و گرسنه و آواره شده بود اجازه اقامت در امریکا یافتند. اما خوشبختانه در کشور ما هیچ کس نمی‌داند حقوق متعارف آقای رئیس‌جمهور و وزرای ایشان چه مبلغی است و چرا حقوق ۵/۵ میلیون تومانی وزرا در دولت‌های نهم و دهم ناگهان چند برابر شد؟

■ مردم و حداقل حقوق یک میلیون و ۳۵ هزار تومانی!

در جراید دیدم حداقل حقوق یک میلیون و ۳۵ هزار تومانی برای کارمندان و بازنشستگان تعیین شده و در همان حال کارکنان تعدادی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها از این جدول حقوق شرم‌آور مستثنی شده‌اند. رشد حقوق کارمندان ۱۰ درصد است. مثلاً ۱۵۰ هزار تومان اضافه می‌شود به آنکه ۱۵۰۰ میلیون تومان دریافت می‌کند.

من از هر بازنشسته‌ای (مگر بازنشستگان چند دستگاه خاص) سؤال می‌کنم حقوق دریافتی آنان مانند خود من زیر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. لیسانسه و فوق‌لیسانس بودن هم تأثیری ندارد.

من خیلی تعجب کردم که دیدم یکی از استادان ممتاز بازنشسته دانشگاه که ۳۰ کتاب تحقیق اجتماعی و ده‌شناسی و عشایرشناسی دارد ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کند.

الحمدلله بازار چاپ و نشر هم که در عهد درخشان این دولت به کلی کساد شد و کمتر ناشری کتاب چاپ می‌کند و اگر بکند تیراژ آن بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ و حداکثر ۷۰۰ نسخه است.

تعرفه کاغذ را هم که گران کرده‌اند و چاپ کتاب صرف نمی‌کند، آقای دکتر روحانی باز هم می‌فرماید: «دارم می‌آیم!» ماجرای حقوق‌های نجومی و دهها مورد اختلاس و پرونده‌های صفدرحسینی و محمود کودهی و رستگار سرخه‌ای هم که گم و گور شد. راستی با چه رویی قصد دارند دوباره بیایند؟ چقدر قوم و خویش‌بازی؟

■ شباهت دولتیان ما با دولتیان امریکا!

من خیلی اظهار غرور کردم دیدم در مواردی کارهای دولتمردان ما به کارهای سیاست‌پیشگان ایالات متحده امریکا شباهت یافته است. آنها هواپیمای اختصاصی برای سفرهای اختصاصی دارند، رئیس‌جمهور و وزیران ما هم با هواپیما و حتی هلی‌کوپترهای اختصاصی به سفر می‌روند.

آنها از یک طرف حقوق سالی یک دلار برای خود تعیین می‌کنند (البته سه قسط اول حقوق سه ماهه را ترامپ بخشید به پارک ملی امریکا) اینجا هم می‌گویند حقوق متعارف می‌گیرند و در عرض یک سفر به ۵۰ کیلومتری تهران می‌روند، طبق اوراق رسمی و اعلام شده و مصوبات شورای شهر کرج مرکز استان البرز ۵۰۰ میلیون تومان خرج یک ناهار درویشی می‌شود و در جمع و یک خرج یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومانی از عوارض که مردم استان می‌پردازند بالا می‌آید و ۵۶ هزار تومان هم خرج مسواک و خمیردندان می‌شود و با یک تکذیبیه مبهم و غیرقانع‌کننده موضوع لاپوشالی می‌شود.

هر سال چندین بار مملکت دستخوش سیل می‌شود و همین فروردین ماه چهل و چند نفر در سیلاب‌های شمال باختری کشور مردند و من دیدم که سیلاب تعدادی اتومبیل را غلتاند و برد و مردم یا ابوالفضل می‌گفتند و می‌گریستند یا وزارت نیرو کاسه گدایی به دست می‌گیرد که ای مردم بدانید و آگاه باشید بی‌آبی و خشکسالی کشور را نابود کرده است و وزارت نیرو ناچار است فیش پول آب و فاضلاب را افزایش دهد.

آخر این سیلاب‌ها به کجا می‌رود؟ اگر سدها و مخازنی تعبیه شده بود که این آب‌ها در آنجاها انباشته می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد؟

■ مدیریتی توأم با رمز و راز!

تمام چشم‌ها به عایدات نفت دوخته شده است. می‌گویند روزی ۲ میلیون بشکه نفت صادر می‌کنیم و روز به روز عایدات نفتی بیشتر می‌شود؟ پولش چه می‌شود؟ شنیده‌ام می‌گویند پول را دست ما نمی‌دهند. در بانک‌هایشان نگاه می‌دارند که از محلش هواپیما خریداری می‌کنیم؟

تمام مسائل کشور توأم با رمز و اسرار است. مردم حق ندارند هیچ چیز بدانند، برجام را در ۲۰ دقیقه تصویب کردند و حالا مرتباً پیامدهایش ظاهر می‌شود.

شنیدم یک مرد لطیف‌الطبع گفته است برجام بسیار خوب بود صد بار باید گفت زنده باد برجام. اما متأسفانه این مولود نتیجه یک صیغه چند هفته‌ای بود و فرزندی که به دنیا آمد موجودی است ناقص‌الخلقه، بیمار، مرتب در حال غش و ضعف. روی به موت که زخم و زگیل‌ها و بیماری‌های ژنتیکی کشنده‌ای دارد. غذا هم نمی‌خورد بد قیافه و عجیب و غریب و شش انگشتی است. بدتر اینکه پدر این مولود هم ترامپ خشن و تندخو زیر بار نمی‌رود و آن را طرد کرده و می‌گوید: «بچه من نیست بروید پدر واقعی‌اش را پیدا کنید.»

باور کنید من نه تنها بدم نمی‌آید بلکه به خود می‌بالم کشور عزیز ما چقدر مشابهت به امریکا یافته است.

مثلاً رئیس‌جمهور امریکا اغلب وزیرانش را از میان مدیران کمپانی‌های نفتی و اسلحه‌سازی و صنایع برگزیده در میان اعضای هیئت دولت ما امثال آقای مهندس نعمت‌زاده و دکتر سرمهندس آخوندی هم پیدا می‌شوند که با ثروتشان امثال بنده و جنابعالی را کرور کرور می‌خرند و آزاد می‌کنند.

■ و سرانجام احساس غرورِ منِ ایرانی!

احساس غرور می‌کنم که ترامپ اگر برج ترامپ دارد وزیران ما هم همگی در شمال شهر زندگی می‌کنند و اغلب در لواسان قصرهای باشکوه دارند و این از روح لطیف آنان سرچشمه می‌گیرد که می‌خواهند در آغوش طبیعت باشند و درد آدم‌هایی را که مثلاً از شهرها به ناچار دور شده و در شهرک‌های مسکن مهر زندگی می‌کنند (و تازه شکر خدا را بجا می‌آورند) را بفهمند.

خوشم می‌آید از بس مردم را دوست دارند، مسکن مهر را مزخرف و فاجعه می‌دانند که چرا شبیه ویلاهای هزار، ده هزار متری آنان ساخته نشده و چون مزه آبگوشت بزباش را چیده‌اند می‌گویند صنعت ملی ما ایرانیان آبگوشت بزباش است به هر ترتیب قدر این همه نعمات را می‌دانیم و امیدواریم چهار سال بعد هم سایه رحمت کابینه تدبیر و امید و کلید و... بر ایران باشد.

■ و کلام آخر...

چرا مردم اینقدر زار می‌زنند؟ از بیکاری، بیچارگی، کسادی، کسب و کار، شرمندگی نزد زن و فرزندان، اجاره‌نشینی، نداشتن نان شب؟ در فضای مجازی خواندم وزیر دارایی و اقتصاد گفته: هزینه‌های دولت نسبت به دولت قبل، از ۷۰ هزار میلیارد به ۷۰۰ هزار میلیارد افزایش یافته است!

در مقابل چشم این مردم مستأصل حقوق‌های کلان تا ۵۷ میلیون حتی ۱۰۰ و حتی ۲۰۰ میلیون تومانی بنا به گفته مقامات بازرسی و قضایی کشور پرداخت می‌شده و می‌شود. حقوق کمتر از ۲۰ میلیون تومان کسر شأن آقایان است!

دولت روحانی کمترین توجهی به رفاه مردم طبقات پایین و مستضعف نداشته و در ماه‌های اخیر هم تمام هدف او بر در انتخابات بوده است. وعده‌های بدون قابلیت اجرا و گوش دادن به توصیه‌های مشاورانی که یکی از آنان این روزها، به هر دلیل از روحانی روی گردانیده و در فضای مجازی شرح می‌دهد که برای ساخت فیلم تبلیغاتی چهار سال پیش او، چگونه به وی الفبای سیاست می‌آموخته است مناظره باید مثل سگ بترسند!

قدر مسلم اگر وی بار دیگر موفق به تصاحب کرسی ریاست جمهوری شود، در چهار سال آینده هم این وضعیت ادامه خواهد یافت. اخیراً اوباما گفته است روحانی در دادن وعده‌های پس از توافقنامه برجام به مردم ایران، راه مبالغه پیمود و ظاهراً همین امر، به پاشنه آشیل وی در رقابت‌های انتخاباتی تبدیل شده است.

> **احساس غرور می‌کنم که ترامپ اگر برج ترامپ دارد، وزیران ما هم همگی در شمال شهر زندگی می‌کنند و اغلب در لواسان قصرهای باشکوه دارند و این از روح لطیف آنان سرچشمه می‌گیرد که می‌خواهند در آغوش طبیعت باشند و درد آدم‌هایی را که مثلاً از شهرها به ناچار دور شده و در شهرک‌های مسکن مهر زندگی می‌کنند (و تازه شکر خدا را بجا می‌آورند) را بفهمند. خوشم می‌آید از بس مردم را دوست دارند، مسکن مهر را مزخرف و فاجعه می‌دانند که چرا شبیه ویلاهای هزار، ده هزار متری آنان ساخته نشده و چون مزه آبگوشت بزباش را چیده‌اند می‌گویند صنعت ملی ما ایرانیان آبگوشت بزباش است!**

> **دولت روحانی کمترین توجهی به رفاه مردم طبقات پایین و مستضعف نداشته و در ماه‌های اخیر هم تمام هدف او، برد در انتخابات بوده است. وعده‌های بدون قابلیت اجرا و گوش دادن به توصیه‌های مشاورانی که یکی از آنان این روزها، به هر دلیل از روحانی روی گردانیده و در فضای مجازی شرح می‌دهد که برای ساخت فیلم تبلیغاتی چهار سال پیش او، چگونه به وی الفبای سیاست می‌آموخته است**

پیشخوان

حاشیه‌ای بر انتشار اثر تاریخی «عالمان شیعه غزنی»

وصفی از پیشروان علم و جهاد در افغانستان

■ محمدابراهیم شریعتی افغانستانی

بشر در طول تاریخ دارای ستارگان فروزان و مشعل‌دارانی بوده است تا آدمی بر جهالت و تاریکی فائق آمده و با پرورش عقل و خرد، خویشتن را از نادانی و جهالت رهانیده و به اوج قله رفیع کرامت قدم بگذارد.

طلایه‌داران این منظومه فروزان، پیامبران الهی و جانشینان پاک‌سرشت و معصوم آنها هستند. در صف بعد، میراث‌داران آنها، یعنی عالمان دینی هستند که در دانش و سلوک، قدم در جای پای آنها می‌گذارند و مسیر پر رمز و راز آنان را می‌پیمایند و با ترویج فرهنگ اصیل و ناب اسلامی، بسیاریشان در این مسیر با نثار جانشان، شجره طیبه ولایت و امامت را احیا نموده، در دفاع و پاسداری از حریم اسلام ناب محمدی، تا پای شهادت پیش رفته و می‌روند؛ علما و دانشمندانی که در دوران حیات خویش بر تاریخ تشیع پرتو افکنده و بر معنویت، دانش و فرهنگ بشر تأثیرگذار بوده‌اند و خواهند بود. بدون شک، کمترین پاسداشت از مقام شامخ آنان، معرفی و شرح حال زندگی پر بار آنها برای نسل‌های بعدی است. در قرآن کریم و روایات حضرات معصومین(ع) برای عالمان اهمیت و جایگاه والایی بیان شده است. قرآن کریم، خشیت و خداترسی را منحصر به عالمان و دانایان نموده است و می‌فرماید: «إِنَّما یخشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ إِنَّ اللَّهَ عَزیزٌ غَفُورٌ»؛ از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند. آری، خدای ارجمند آمرزنده است. در آیه دیگر، با استفهام انکاری، برابر و همسان بودن عالمان را با جاهلان، به صورت قطعی مورد نفی و انکار قرار می‌دهد؛ «قُلْ هَلْ یسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یعْلَمُونَ إِنَّما یتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ»؛ بگو! آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند پذیرند. در روایات معصومین(ع) نیز جایگاه والایی برای عالمان دین ذکر شده است. پیامبر گرامی اسلام(ص) علما و دانشمندان امت خویش را بسان پیامبران بنی اسرائیل دانسته است وَ قال محمد (ص) «عُلَماءُ أُمَّتی کأَنْبِیاءِ بَنِی إِسْرائِیل»؛ و نیز فرموده است: «رَحِمَ اللَّهُ خُلَفائی فَقِیلَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ خُلَفاؤُک قالَ الَّذِینَ یحْیونَ سُنَّتِی وَ یعَلِّمُونَها عِبادَاللهِ»؛ خدا رحمت کند جانشینان مرا. پرسیدند: ای پیامبر خدا! جانشینان تو چه کسانند؟ فرمود: کسانی که سنت مرا زنده بدارند و آن را به بندگان خدا بیاموزند و نیز از آن حضرت نقل شده است: «اَلْفُقَهاءُ أُمَناءُ الرُّسُل»؛ فقیهان، امانتداران پیامبران هستند. امام علی(ع) خطاب به کمیل بن‌زیاد، درباره عالمانِ و دانشمندان، چنین می‌فرماید: «یاکَمیلُ هَلَک خُزّانُ الأَمْوالِ وَ الْعُلَماءُ باقُونَ مابَقِی الدَّهْرُ أَعْیانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثالُهُمْ فِی الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ»، ای کمیل! ثروت‌اندوزان بی‌تقوا مرده، گرچه به ظاهر زنده‌اند، امّا دانشمندان، تا دنیا برقرار است زنده‌اند، بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان، امّا یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است. امام حسن عسکری(ع) نیز از جد بزرگوارش امام صادق(ع) چنین نقل می‌کند: عالمان شیعه ما، نگهبان مرزهایی هستند که ابلیس و افراد پلید او، در پشت آن سنگر گرفته‌اند و آنها را از تهاجم به ضعیفان شیعه ما باز می‌دارند و مانع تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او می‌گردند. از آنچه ذکر شد، به خوبی درمی‌یابیم که عالمان دین، ستارگان پرفروغ زمینیان، پاسداران حریم اسلام ناب و حافظان حرمت کتاب و سنت هستند. بدون تردید، عالمان متعهّد شیعه در طول تاریخ اسلام و از آن جمله، در افغانستان، مهّم‌ترین پایگاه برای حفظ و گسترش دین و مذهب و سنگربانان و مدافعان حریم تشّیع بوده‌اند. سرگذشت و تاریخ پر افتخار عالمان دینی شیعه در افغانستان، نشان‌دهنده این واقعیت است که آنان با تمام وجود، در راه حفظ و پاسداری از ارزش‌های دینی و مذهبی سعی و تلاش کرده و از جان و مالشان در این مسیر مایه گذاشته‌اند. روحانیت متعهّد شیعه در افغانستان، همزمان در چند جبهه مبارزه داشته‌اند. در جبهه ضد استعماری و تهاجم بیگانگان به خاک افغانستان؛ روحانیان شیعه لباس رزم پوشیده و سنگر به سنگر، همگام با مدافعان حریم ملت و میهن، تا پای شهادت مبارزه کرده‌اند. در جبهه ضد استبدادی، زمانی که حاکمان و انحصارطلبان برای بقای حاکمیتشان انواع ظلم و ستم را بر مردم ما روا داشتند، روحانیت متعهّد تشیع، با زبان و قلم و تحمّل زندان و شکنجه و تبعید، استبداد را به زانو درآورده‌اند. در جبهه مبارزه با جهل و بی‌سوادی، در روزگاری که در مناطق هزاره‌جات حتی کلاس ابتدایی وجود نداشت، بهترین عالمان دینی، وظیفه خود دانستند که در مکتب‌خانه‌های محلی بنشینند تا فرزندان وطن به کیمیای علم و دانش دست یابند.

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، زندگینامه بیش از صدتن از عالمان و فرهیختگان سرزمینی است که در سال ۲۰۱۳ میلادی، به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» شناخته شده است. بدون شک، معرفی ولایت باستانی غزنین، به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» بیش از هر چیز دیگر، مدیون تلاش‌ها و زحمات این عالمان وارسته است که نهال علم و دانش را در این سرزمین تاریخی غرس کردند و با خون دل و اشک دیده آبیاری نموده و بارور ساختند؛ علما و اندیشمندانی که از مدارس و مکاتب ساده و گلین جاغوری، مالستان، ناهور، جغتو، قره‌باغ و... درخشیدند. ستارگانی همچون حضرات و آیات عظام؛ علّامه فیض‌محمد کاتب هزاره، محمدعلی مدرّس افغانستانی، آیت‌الله‌العظمی فیاض، قربانعلی وحیدی، محمدرضا اوحدی، عزیزالله غزنوی، محمد سرورفلسفی و... نه تنها در آسمان ولایت غزنه می‌درخشند که در سطح کشور و جهان تشیع، چهره‌هایی شناخته شده هستند. در زمینه نحوه گردآوری این اثر، یادآوری نکاتی لازم و ضروری می‌نماید:

۱- زندگینامه سه دسته از عالمان ولایت غزنی، مورد توجه و در اولویت قرار گرفته است.

الف. عالمان و شخصیت‌هایی که خدمات علمی و فرهنگی داشته، با ساختن مدرسه علمیه و مراکز آموزشی، عمر گرانبهای خود را به تربیت شاگردان و جویندگان علم و دانش و تبلیغ معارف اسلامی صرف کرده‌اند.

ب. علما و طلاب جوانی که در راه مبارزه با انحرافات فکری و استبداد داخلی، شکنجه و زندان را به جان خریده‌اند یا در راه دفاع از میهن و آرمان‌های اسلامی، جام شهادت سرکشیده‌اند.

ج. طلاب و روحانیانی که همچون سلف صالح خود، در جهت گسترش علم و دانش و در دفاع از ارزش‌های دینی و مذهبی، با نوشتن کتاب و مقالات در راه اعتلای فرهنگ اسلامی، مجدانه تلاش نموده‌اند.

۲- آنچه در این کتاب فراهم آمده و به ثبت رسیده است، زندگینامه تعداد اندکی از ستارگانی علم و فقاهت ولایت باستانی غزنی است. دلیل این امر، تنها و تنها، عدم دسترسی به بیوگرافی و شرح حال زندگی بسیاری از علما و دانشمندان بوده است، امید آن که توفیق یارمان گردد تا در مجلد دیگری جبران مافات نماییم.

۳- هر کار بشری، هر چند با دقت تمام انجام شود، خالی از نقص و اشکال نبوده و این قاعده بر این کتاب نیز ساری و جاری خواهد بود. از این رو، از علما، اندیشمندان و خوانندگان محترم که در جهت رفع نواقص و ایرادهای این اثر، در راستای بهبود و ارتقای آن، ما را یاری رسانده، نقدها و پیشنهادهای سازنده‌شان را مطرح نمایند، از آن استقبال نموده سپاسگزاری می‌نماییم.

۴- بر خود لازم می‌دانیم از همه عزیزانی که با دست‌نوشته‌ها و مصاحبه‌هایشان، در تدوین این کتاب، ما را یاری کردند، به خصوص از فرهیخته گرامی، جناب حاج‌عوضعلی اعتمادی که در تهیه زندگینامه برخی از شخصیت‌ها با ما همکاری و مساعدت داشت، تشکر و قدردانی نماییم.

آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد اسحاق فیاض از مراجع افغانی مقیم نجف